

نه رباعیاتش بر طبق حرف آخر قافیه منظم شده  
و تمام رباعیاتی که یک قافیه دارد بر طبق حروف  
اول آنها مجدداً تنظیم گردیده . این آزمایش  
یعنی امتحان اسلوب توالی رباعیات بی مورد  
است علت این تسلسل و توالی سابقاً بیان شده  
اما سبب اختلاف یا بواسطه خطا و اشتباه  
در انمظام است یا اینکه يك متن، باعی داشته  
که دیگری فاقد بوه، یا بالعکس ولی در قسمت اخیر  
موضوعی که باید مورد دقت قرار گیرد ریشه  
و ساختمان اصلی رباعیات است نه اسلوب  
توالی آنها .

ولی در متن هائی که با طرز الفبائی  
مفرد تنظیم شده، تحقیق در اسلوب توالی خیلی  
اهمیت دارد چون رباعیات از این قید که هر يك  
در حرف آخر مشترك باشند آزاد است و بوسیله

این مطابقه با عدم مطابقه ممکن است رشته  
ارتباطی فی مابین متن هایدست بیاوریم . متن های  
مهمی که با سلوب الفبائی مفرد منظم شده از این  
قرار است

Brnll orm . 11 Brm . Bobe

(ناقص) Calo مجموعه های کوچک عبارات از  
BN v BN lvb R وقتی بمتن های مهم رجوع  
میکنیم طرز انتظام رباعیات نسخه ۱۱ GIBolde معلوم  
میدارد ارتباط و نسبت نزدیکی میان این دو  
موجود میباشد قسمت که از نسخه های Berl .  
BRM III ذخیره شده بیای آنها آید نسخه های  
Br . ml . mr اگرچه در ابتدا قدری باهم اختلاف  
دارند و در قسمت اخیر آن با کمال خوبی باهم  
مطابقه میکنند درجه اختلاف در نسخه 110 . BSM  
قدری زیاد تر میشود ولی بطور کلی تمام

متن های مهم همانگونه که در انتظام بایکدیگر  
متعددالشکل است در جهات دیگر نیز باهم مطابقت  
میکنند همین مطابقت در مجموعه BLI و حتی  
در مجموع BNV نیز دیده میشود و آثار و علائم  
مخصوص در آن مشهود است که میرساند همه  
اینها در يك ردیف و سبک انتظامش بيك  
شکل است

در اینجا مؤلف جدولی کشیده و نمره ها  
را باهم تطبیق میکند (

نکته دیگر هست که میرساند این  
متن های سابق الذکر از یک دسته میباشد در  
نسخه های BGQLII.BQ.M II.OBMI همه با  
حکایت ذیل شروع میشود

بعد از وفات حکیم مادرش او را در خواب  
دید و راجع بسر نوشت وی از او سؤال کرد

عمر این رباعی را بخواند

ای - سوخته سوخته سوختنی

وی آتش دوزخ از تو افروختنی

تا کی گوئی که بر عمر رحمت کن

حق را تو که بر رحمت آموختنی

سائر متن ها این حکایت را ندارد ولی

این رباعی در سه نسخه های BerkGol خارج

از رشته انتظام الفبائی نگاشته آمده است در

نسخه Mr و همچنین RII در آخر رباعیات واقع

شده و تنها در نسخه BRMII مجموعه های

کوچک این رباعی حکایت اصلا دیده نمیشود

همچنین این حکایت این رباعی در هیچکدام

از سایر متن ها دیده نمیشود خلاصه تحقیق این

میشود که تمام این نه متن که تا این درجه بهم

نزدیک میباشد بایستی از یک نسخه قدیمی که

احتمال قوی می‌رود در ابتداء حکایت سابق‌الذکر را نقل کرده باشد. اخذ و استنساخ شده باشد قبل از این که جلوتر برویم لازم است مختصری راجع بطرز عمل و شیوه کار استنساخ کنندگان ایرانی بیان کنیم بعضی اوقات نسخه را بی‌کم و زیاد با کمال دقت استنساخ می‌کنند ولی هرگاه چند نسخه در دست داشته باشند ممکن است آنها را از تخلیط نگاهداری کنند و ممکن است همه را بی رعایت هیچگونه قاعده و قانونی درهم آمیزند

روش نخستین را میتوان در نسخه ۱۷

BN ملاحظه کرده و کسی که این نسخه را استنساخ کرده و تقریباً کم و زیاد آنرا از روی اصل Bobl که سیزده سال نسبت بیان قدمت دارد رو نویسی کرده ولی هرگاه دو یا نسخه های

متعددی در دست داشته باشد اغلب . یکرباعی را دو مرتبه مینویسند و گاهی اوقات رباعیات را از روی دونسخه یکی در میان مینویسند مثل اینکه در دونسخه BEdl و BRM دیده میشود مؤلف در اینجا چند رباعی را با یکدیگر

مقایسه کرده نمره های آنها را نوشته است)

و بر طبق يك قانون عمومی کسانی که

باستنساخ می پردازند از اینجا از آنجا و در

حافظه هر رباعی که بنام خیام شنیده اند ضبط کرده

و در نسخه مینویسند اغلب اوقات رباعیاتی که فقط

در یکی یا دو تایی نسخه یافت میشود نوشته اند از اینجا

میتوان گفت که اینگونه رباعیات اصلی نیست و

الحاقی است بیکدیگر منضم شده و سلسله مخصوص را

تشکیل میدهد . بدین ترتیب که نمره های ۱۸۲ -

۱۵۹ ر ۲۳۳-۲۰۶ که در نسخه Berl موجود

است در هیچ نسخه دیگر دیده نمیشود و هیچ  
گونه در قسمت ۲۰ رباعی اول از نسخه RI1  
که فقط در آنجا یافت میشود  
در اینجا باز نمونه هائی از نسخه‌ها  
ذکر میکنند)

از طرف دیگر کسی که باستنساخ پرداخته  
مطابق اصلی که در دست داشته عده زیاد با  
کمی از رباعیات را او استنساخ کرده است بعضی  
اوقات فقط برای اینکه جاندارد عده محدودی  
را از رباعیات انتخاب میکنند و یا آنکه صفحه  
را پر کنند با اندازه احتیاج رباعی مینویسد

کسی که از روی نسخه Brml استنساخ  
کرده است بطور محسوسى از قافیه مجموعه  
خود را تا آخر مختصر نوشته و کسی که از روی  
نسخه BNY استنساخ کرده است ابتداء سلسله

های متشابهی از رباعیات با نگارش دو حرف مقفی در اول آن مینویسد و بعد باختصار میکوشد در موقع دیگر نسخه نویسان برای آنکه فلان رباعی یا چند رباعی را دوست نمیدارند از نگارش آن صرف و نظر میکنند

بنا بر این بطریق اولی نمیشود اینگونه نتیجه گرفت اگر يك رباعی در چند متن که مربوط بیکرشته میشود دیده نشد فوراً حکم کنیم در نسخه اصلی این رباعی وجود نداشته است امثله و شواهد هر گونه تسامحی را میتوان در میان نسخه ها یافت گاهی کسانی که باستفساخ اشتغال دارند دور رباعی پی در پی را با هم میآمیزند بدین ترتیب که نمره ۲۹۹ در نسخه ۱۱۱ B rm نصفش از يك رباعی دیگر تشکیل شده و این دور رباعی در نسخه ۱۱۱ B rm دور رباعی



مستقلی تحت نمره ۳۲۴ و ۳۲۵ نوشته شده است تقریباً در تمام متن ها بعضی رباعیات را می بینم جابجا شده و فلان بیت که قافیه اش با بیت اول تناسب ندارد بشکل يك رباعی نوشته شده است حالا باید به آزمایش مجموعه اشعار متن های خود پردازم

هرگاه تمام متن هائی که در دست است از این نظر مورد توجه قرار دهیم . خواهیم دید متن هائیکه تا بحال ملاحظه شده بکدسته مشخص را تشکیل میدهد قسمت مهم رباعیاتی که در این متن ها مشاهده میشود . نمیتوان عموماً در سائر متن ها آنها را پیدا کرده و بالعکس با يك نظر بفهرست متن ها میتوان فهمید که اختلاف فیما بین ریشه های اصلی بسیار زیادتر از اختلافی است که میان متن های مربوطه بدست الفبائی

مفرد دیده میشود مختصر توجه بمجموعه های کوچک RII،BNV ثابت و مدلل میدارد که آنها مربوطه بدسته الفبائی مفرد میباشد.

اکنون باید بسر وقت متن هائی که واجد نظم الفبائی نیست برویم  
پرفسور EG برون هنگامی که از اسلوب اشعار فارسی سخن میراند میگوید. و شاید این حقیقت را بایستی تأیید کرده که رباعیاتی که در مجموعه ها و دواوین شعرای ایرانی وجود دارد هیچگاه جز مطابق با حروف آخر قافیه آنها طور دیگر تنظیم نیافته است

این مدعی تصور میکنم از اینراه بشبوت برسد. که اگر يك انتظامی وجود میداشت میبایستی دارای نظم الفبائی باشد برای آنکه در بیشتر حالات نظم و ترتیب رباعیات بر حسب

تصادف و امری اتفاقی است در قدیمترین دواوین  
شعرای ایرانی از قری که بیش از قرن سیزده  
باشد هیچگاه رباعیات را منظم با سلوب الفبائی  
نخواهیم یافت من با MF بلاشت مؤلف فهرست  
نسخه های خطی ایرانی

در کتابخانه ملی پاریس در این موضوع  
گفتگو کردم وی نیز دارای همین نظر بود.  
موسیوبلاشت میانه رباعیات قدیمی که  
دارای روش الفبائی نبوده و آنهایی که در  
زمان سعدی واجد نظم الفبائی بوده حدی قائل  
شده و اینگونه نتیجه میگرفت که انتظام نسخه  
های قدیمی مربوط به ترتیب زمان است یعنی  
رباعیات مطابق زمانی که اسروده شده برشته انتظام  
کشیده شده است در اثر مقایسه این موضوع با  
نتیجه تحقیقات خود باین نتیجه رسیدم که سعدی

اولین شاعری است که رباعیات خود را بطرز القبائى تنظیم کرده . چون در قدیمترین نسخه های خطی رباعیات سعدی را با اینگونه نظم و ترتیب می یابیم اگر چه يك نسخه خطی از کلیات سعدی را دیدم که رباعیاتش با سلوب القبائى منظم نشده بود از زمان سعدی این روش وقاعده تعمیم یافته ولی البته بطور ناگهانی این امر انجام پذیرفته است

در قدیمترین دیوان حافظ این انتظام القبائى مشهود نیست تصور میکنم روش انتظام رباعیات بر وفق حروف القباء بوسیله سعدی پیدا شده در صورتی که رباعیات خودش فعللابی آنکه چنین نظم و ترتیبی را دارا باشد در دست مردم می باشد بر روی این نظریات نتایج ذیل را راجع

به رباعیات خیام بدست آوردم

روش واسلوب الفبائی در رباعیات بایستی  
دیرتر از ابتدای قرن یازدهم و بعبارۀ آخری  
قبل از ۱۴۰۰ م انتخاب شده باشد چون نسخه  
EODII که بتاریخ ۶۱-۱۴۶۰ است فعلا دارای  
روش الفبائی مضاعف میباشد در صورتی که اسلوب  
الفبائی مضاعف دیرتر از طرز مفرد آن بوجود  
آمده است

بنابراین سرچشمه تمامی متن هائی که  
بشیوه الفبائی مفرد تنظیم یافته ممکن نیست  
دیرتر از شروع قرن یازدهم باشد اگرچه شاید  
زودتر از آن هم بوده است

۲ - متن هائی که واجد شیوه الفبائی

نیست طبعا قدیمتر از آن هائی است که دارای  
روش الفبائی مفرد می باشد آنکه باستنساخ منتی

میپردازد که بطرز الفبائی منظم شده هرگز از آزمایش و برهم خوردن نظم و ترتیب آن اندیشه بخود راه نمیدهد رشته توالی آنها ممکن است در اثر بی مبالائی استنساخ کنندگان یا ادخال رباعیات بیگانه و خارجی قطع شود ولی این مطلب زود معلوم میشود متن هائی که اسلوب الفبائی ندارد ممکن است فرع يك متن روایتی باشد یا متن های روایتی ممکن است قدیمتر از سرچشمه تمامی متن هائی باشد که بطرز الفبای منظم شده است

ولی از این مقدمات نمیتوان نتیجه گرفت که نسخه هائی که دارای شیوه الفبائی نیست اصلتش بیشتر است و از دو طبقه دیگر باید زیاد تر مورد دقت واقع شود. با آنکه صحت یکی باعث فساد دیگری میباشد از هیچجمله متن

که در دسترس من است ۵ متن آن از طبقه  
است که بطریق القبائی منظم نشده که عبارت  
از نسخه های BNIRI و BNII و در مجموعه  
کوچک BNIII.BIII میباشد اصالت سلسل رباعیات  
در نسخه ۱ R را نمیتوان امری مسلم دانست  
چون بطوریکه میدانیم این متن تنها در چاپ  
روزن که تمام رباعیات آن دوباره تنظیم شده  
موجود است از لحاظ تسلسل میان دو نسخه  
B هیچگونه تطابقی نتوان یافت و  
سببش این دو نسخه BNIII و RIII هیچ مدارک  
واضحی بدست نمیدهد که از روی آن بتوان  
فهمید این مجموعه ها از متن BNI گرفته شده  
است یا از متن BNII اگر آزمایش اینگونه تسلسل  
نتیجه مثبتی بدست ما ندهد از دقت و مطالعه  
در مجموعه متنهای آن بعضی نکات میتوانیم

آموخت و از همین نظریه چنان اختلاف قابل ملاحظه فیما بین دو نسخه و BNII موجود است این دو نسخه MSS تنها دارای ۱۰۱ رباعی مشترک هستند از ۲۱۳ رباعی نسخه BNII نیز ۱۱۲ رباعی آن با نسخه BN مطابقت نمیکنند و میان ۳۴۹ رباعی نسخه BNII تنها ۲۴۸ رباعی آن در نسخه BN<sup>۱</sup> یافت می شود و همچنین از ۳۲۹ رباعی نسخه R ۱ ۹۴ رباعی آن در نسخه RN موجود است و بالعکس نسخه R ۱ ۲۶۳ رباعی با نسخه BC ۱۱ مشترک دارد بدین طریق چنان بنظر میرسد ارتباط نزدیکی میان این دو متن وجود داشته باشد و این نظر بواسطه تسلسل رباعیاتی که در چهار صفحه نسخه اصلی MS مشهور است و در تنهای چاپ روزن سوادش مطابق با اصل شده



تایید میشود اینجا رشته تسلسل بطریق ذیل  
است صفحه ۱ - a ۵۳<sup>۱۱</sup> و BBII H ۴ - C ، ۱ -  
ص ۲ - a - ۲۸۷ - b - ۲۸۸ - C میخواند  
d - ۲۹۲۰ در صفحه دیگر وقتی سوادش با  
اصل مطابقت شود. مدرک واضحی بدست نمیدهد.  
چون ۴ رباعی از آن شش رباعی که در اینجا  
ذکر شده با هیچکدام از متن هائی که بطریق  
القبائی تنظیم نشده. وفق نمیدهد مجموعه  
pNIII این نکته مخصوص را خاطر نشان میکند  
که تقریباً نصف رباعیات اصلی آن کد در میانه  
۷۵ رباعی ۳۷ کمتر نیست با هیچیک از متن  
های دیگر خواه آنها تیکه با طرز القبائی تنظیم  
شده یا آنها تیکه روش القبائی ندارد مطابقت  
نمی کند راجع به ۳۸ رباعی دیگر ۳۷ رباعی  
آن در نسخه ۱۱ BN با نسخه ۱ R و اغلب

در هر دو یافت میشود ولی تنها ۱۸ رباعی در نسخه ANII موجود است باین ترتیب میتوان حدس قوی زد که نسخه BNIII بدسته نسخه ۱۱ RIBN تعلق داشته باشد. حالا باید این مسئله را مورد دقت قرار داد که BN ۱ که تا این درجه با نسخه های BNIII, RIBN هم از حیث تسلسل و هم از حیث مجموعه ریشه و اصل تفاوت دارد میتواند با این وصف آنرا از همین دسته دانست: در هر صورت میرهن است که نسخه نمیتواند با متن هائی که دارای طرز الفبائی مفرد هستند ارتباطی داشته باشد. چون عده رباعیاتی که از آن با این دسته مشترك است خیلی کمتر از رباعیاتی است که با دسته ۱۱ BN مشترك دارد ولی در اینجا يك حقیقت مهمی است که میرساند نسخه BNI ولو با فاصله

زیادتی با دسته BNII ارتباط دارد ، رباعی نمره  
۳۱۲ در صورت من در تمام سه متن که بطرز  
الفبائی تنظیم نشده بشکل خاصی موجود است  
(۱) bnl-bnll-R باین ترتیب که هر مصراع مستزاد  
مانندی دارد که آنها نیز دارای وزن قافیه مخصوص  
بخود هستند و این شکل خاص را جائی دیگر  
ندیده ام باین طریق

عید آمد و کارها نکو خواهد شد

### چون روی عروس

ساقی می لعل در سبو خواهد کرد

### چون چشم خروس

افسار نماز و پوز بند روزه

### پنکبار دگر

عید از سر خران فرو خواهد کرد

### افسوس افسوس

از این مقدمات میتوان چنین استنباط کرد  
که هر متن اصلی که بطریق الفبائی منظم نشده  
از بک ریشه مشترکی جدا شده است  
حالا طبعاً این سؤال پیش میآید که آیا  
ممکن است این متن هائی که بطریق الفبائی  
تنظیم نشده است بک اصول انتظامی قائل شد  
بر طبق نظریه برون با وجود این متنهای  
میتوان یافت که رباعیاتش بطرزی غیر از طرز  
الفبائی تنظیم شده مثلاً بر طبق مندرجات انتظام  
یافته است وقتی در نسخه BN ۱۱۱ شروع شود  
سه رباعی اول این نسخه خطی تحت عنوان  
در توحید نگاشته شده و چهار رباعی بعد از آن  
در نعت است ولی نویسنده بعد از آن در قسمت  
دیگر توجهی بتوضیح فحوی و مضمون رباعیات  
نموده است نسخه « bn » عنوان (سر مطلب)

ندارد ولی واضح است که نسخه ms از جمله  
متنهایی است که رباعیاتش بر وفق موضوعها  
طبقه بندی شده است دقت در اینگونه طبقه  
بندی بطریق اولی بیشتر اشکال دارد چون نظریات  
مختلفه برای يك رباعی اغلب بهم آمیخته شده  
است بنا بر این استنساخ کنندگان موقع را  
غیبت دانسته و انتظام دیگری ترتیب داده اند  
باین طریق رباعیاتی را که موضوعش يك سنخ  
مخصوص کلمات و الفاظ را متضمن است با هم  
دسته بندی کرده اند در نسخه BN II در ۱-۶ راجع  
بگناه و عصیان نسبت به پروردگار و امید غفران  
از درگاه الهی است . و در چهار رباعی آن لفظ  
کرم موجود است گناه کرم و نضرع باز موضوع  
نمرات ۹-۱۲-۱۵-۱۹ است و از اراده خدا  
در نوشتن بی عاطفه سنگدل و ناتوانی در بیچارگی

انسان سخن میراند . در اینجا مؤلف باره کلمات را که در رباعیات نسخ متعدد و مختلف نوشته شده مورد بحث قرار میدهد و ضمناً انتقادی هم از نساخهای ایرانی میکند و از آن پس در متنهایی که بطرز القبائی ضاعف ( با اصطلاح کریستن سن ) منظم شده تحقیقاتی میکند و آنگاه وارد این بحث میشود که آیا ممکن است احساسات مذهبی در تغییر دادن و بهم آمیختن رباعیات مؤثر باشد چنانچه میگوید قبل از اینکه راجع بسومین نقطه مهم در تحقیقات خود در خصوص نسخه بدل ها شویم باید موقع را مغتنم شمرده و داخل این موضوع شویم که آیا ممکن است تصور کرد که يك تمایل مذهبی سبب همیش و بهم آمیختن متن ها شده باشد این آنگاه بطرز خوبی واضح و هویدا است که دایری

و جسارتی در رباعیات بصد مذهب اظهار شده  
ذهن استنساخ کنندگانرا سخت مغشوش و پیریشان  
ساخته است و از طرف دیگر این اخلاق یکی  
از خصائص ملی ایرانیان است که علاوه بر تعصب  
مذهبی که دارند يك استعداد و قابلیت مخصوصی  
برای انقلاب در آنها موجود است خواه بصد  
فشارها و بیدادگریهای این عالم باشد یا آنکه بصد  
رسوم و آداب و قوانین مذهبی اینگونه افکار  
و اراء غیر قابل اعتناء تأثیرات فتنان و شکفت  
انگیزی در دماغ ایرانی دارد خصوصا وقتی که  
در قالب لطیف ریخته شود و بمظهر جمالی  
جمیل نیز بمعرض ظهور آید بایک سادگی آمیخته  
بمکر و تزویر سعی میکند خود و دیگران را  
از ظهور غیر قابل ملاحظه بفریبد یا بخوبی قناد  
شود بفرات بال از اشعار اتفاقی لذت برد برای برر

استنساخ کنندگان رباعیات خیام دو قسم تمالك  
نفس و حفظ وجدان بمعرض ظهور رسیده است .  
و هر دو را بموقع اجرا گذاشته و از آن استفاده  
کرده اند مجموعه را ملاحظه میکنی با يك  
سلسله رباعیات مبنی بر اساس زهد و ورع و  
تصوف شروع میشود و در اینجا بطور خصوصی  
نسخه نویسان نظری نداشته اند که رباعیات  
اصلی را مشوب و منشوش کرده و با یکدسته  
رباعیات غیر اصلی در آن داخل نمایند . شاعر  
بنابر این با لباس زهد و تقوی بشکل يك صوفی  
خود را در معرض نظر خوانندگان قرار میدهد .  
و با تمایل رغبت کمی معانی صوفیانه و مجازیرا  
بیان میکنند در صورتی که چند صفحه بعد پی برده  
و از روی کمال بی باکی خلاف همین معانی را اظهار  
می نماید . حتی در متن هائی که بطرز الفبائی



مضایف تدوین شده مثلاً متن های *BnWā'bodl* رباعی که مضمونش راجع بزهد و تقوی میباشد از مجموعه الفبائی خارج کرده اند برای آن که بطور مقدمه در اول کتاب آنرا بنویسند روش دیگری در متن اصلی وریشه اولی متنی که بطرز الفبائی مفرد تنظیم یافته به کار رفته است و آن قسمت که از ابتداء سمی کرده عمر را در لباس زهد و تقوی جلوه داده و او را مظهر قدس و ورع معرفی کند برای اینکه ثابت کند عمر منکر خدا نبود تا مستحق لعنت باشد مجموعه خود را با افسانه مضحکی شروع میکند و آن افسانه حکایت رویای مادر عمر بعد از مرگ فرزندش میباشد چون بر طبق افسانه های ایرانی عمر در سن ۱۰۱ سالگی وفات یافته و روی این میزان مادرش بیشتر